علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۷، جلد دوم، ص ۱۰۴– ۹۹

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال چهارم)
شماره ۱۴/ تابستان ۱۳۹۷ / ص ۱۰۴– ۹۹

کنش گفتاری در اشعار نیما یوشیج

فرشاد میرزایی مطلق[۱]، شمس اله شمس[۲]

[۱]استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم آباد، خرم آباد، ایران
[۲]دانشجوی دکترای، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم آباد، خرم آباد، ایران

نویسنده مسئول:
شمس اله شمس

چکیده

برخورداری از یک تعامل ارتباطی موفق نیازمند آگاهی از نقش سخن و میزان اطلاعات مشارک آن است. شنونده برای درک مفاهیم مورد نظر گوینده، صرفاً متکی به دانش درون زبانی خود نیست. بلکه از دانش برون زبانی نـیز برای تعبیر این مفاهیم بهره می‌گیرد. در این مقاله به نظریه‌ای کارگفت اشاره می شود.

در این مقاله، نمونه هایی از اشعار نیما یوشیج به عنوان کنش گفتاری و هریک از اقسام آن با توضیح لازم آورده شده و در پایان نتیجه حاصل از این شد که بیشترین نمونه های کنش گفتاری نیما همانطور که در اشعار نیز معلوم شد از نوع کنش گفتاری عاطفی هستند.

کلمات کلیدی: کنش، نیما، کارگفت، ترغیبی، عاطفی و اعلامی.

علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۷، جلد دوم، ص ۱۰۴- ۹۹

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مقدمه

نظریه‌ی کارگفت بر پایه‌ی تقریر جان آستین

در این قسمت ابتدا به معرفی نظریه و بیان آراء جان آستین می‌پردازیم و در پی آن، دیدگاه جان سرل و نظرات وی را در باب کارگفتها بیان می‌کنیم.

الف) نقد معناشناسی

جان .آی. آستین یکی از فلاسفه مکتب آکسفورد در سال ۱۹۵۵ در دانشگاه هاروارد مقاله‌ای تحت عنوان «چگونه با کلمات کار انجام می‌دهیم؟» منتشر کرد. او در این سخنرانی برای نخستین بار نظریه کارگفت را مطرح کرد و پس از بیست سال آن را به چاپ رساند. این انگاره با تحلیل انواع کارهایی که می‌توانیم با کلمات انجام دهیم، سروکار دارد.

آنچه آستین تحت عنوان کارگفتها مطرح کرد، واکنشی بود نسبت به سه اصل که در میان معنی شناسان زبانی و معنی شناسان منطقی مبنای نگرش به معنی بود. این سه اصل عبارت‌اند از:

۱) گونه اصلی جمله‌های زبان، جمله‌های خبری‌اند؛

۲) کاربرد اصلی زبان، اطلاع دادن از طریق جملات است؛

۳) معنی یک جمله یا گفتار را از نظر صدق و کذب می‌توان تعیین کرد. این سه اصل مبنای نگرش فیلسوفان حلقه وین بود که آنها را منطقیون اثبات‌گرا می‌نامیدند(ر.ک.رسولی،۱۳۹۰: ۶۷).

«آستین نخستین کسی بود که به کارکردهای فعل و به تبع آن جمله در فرایند گفتمان اشاره کرد. به گفته وی، فعل در بسیاری از موارد فقط اطلاعات مبادله نمی‌کند، بلکه با خود عمل معادل است. برای مثال وقتی شخصی می‌گوید «معذرت می‌خواهم» عمل عذرخواهی‌اش درست موقعی به وقوع می‌پیوندد که این جمله را بر زبان می‌آورد. در چنین مواردی «گفتن» برابر با «کنش» است و گوینده با به زبان آوردن این جمله‌ها کاری انجام می‌دهد. آستین این فعلها را «کنش» می‌نامد و آنها را از فعلهایی که اطلاعات را به صورت غیرکنشی انتقال می‌دهند، متفاوت می‌داند»(لطفی پور، ۱۳۷۲: ۵۹).

آستین به این نتیجه رسید که در میان اظهارات زبانی، طبقه مهمی وجود دارد که ظاهرش مانند جمله‌های خبری است، اما نه صادق است و نه کاذب. زیرا قصد گوینده از ادای این جمله توصیف وضع و حال یا واقعیت نیست، بلکه انجام فعل است. برای مثال اگر کسی بگوید «قول می دهم شما را ببینم»، قصد او از این جمله خبری توصیف وعده یا حکایت کردن از وعده نیست، بلکه با همین جمله وعده می‌دهد و فعل وعده را تحقق می‌بخشد(ر.ک.سلیمی، ۱۳۸۳: ۳۲).

اصطهباناتی در تعریف جمله‌ی کنشی می‌گوید: «جمله کنشی وسیله قراردادی است که امکان بروز آن خیلی ساده و بدون تشریفات است. مثلاً اگر بگوییم «من قول می دهم»، خیلی ساده و بدون تشریفات قول داده‌ایم. برای قول دادن تنها چند کلمه کافیست تا عمل قول دادن انجام شود. تنها با گفتن «قول می دهم»، عمل قول دادن صورت می‌گیرد» (اصطهباناتی،۱۳۸۶: ۹۸).

مطالعات دقیق تر و عمیق تر آستین نشان داد که تقسیم اظهارات به اخباری و کنشی نیز نادرست است. زیرا تمام آنچه وی درباره اظهارات کنشی صادق می‌دانست، درباره اظهارات اخباری نیز صادق است .براین اساس آنچه تا پیش از این بخشی از اظهارات زبانی تلقی می‌شد، همه اظهارات زبانی را در بر می‌گیرد. از نظر وی تمام اظهارات زبانی از سنخ اظهارات کنشی و از مقوله فعل بوده و نظریه کارگفت را برای تحلیل همه افعال زبانی به کار می‌گیرد.

ارزیابی پاره‌گفتارهای بیانی

آستین نمونه‌هایی نظیر «این کشتی را ناوپلنگ می‌نامم» و «من شما را به پنج سال زندان محکوم می‌کنم» را که به نوعی کنش یا عمل اشاره دارند پاره‌گفتارهای بیانی می‌نامد و معتقد است که در چنین جملاتی عملی از طریق نخستین فعل جمله بیان می‌شود که می‌تواند به کمک صورتهایی نظیر «به این وسیله» یا «از این طریق» مورد تأکید قرار گیرد. به اعتقاد آستین در پاره‌گفتارهای بیانی بحث بر سر صدق و کذب نیست، بلکه مساله کاری مطرح است که چنین جملاتی می‌توانند انجام دهند.

در نمونهٔ ذکر شدهٔ دوم، شنونده به موقعیت گوینده توجه می‌کند تا دریابد آیا این گوینده در مقامی هست که بتواند او را به زندان بفرستد یا نه. بر این اساس، بنا به گفته آستین پاره‌گفتارهای بیانی را می‌توان بجا یا نابجا دانست. آن دسته از پاره‌گفتارهای بیانی‌ای که به اجرای عملی منتهی می‌شوند بجا خواهند بود و اگر شخص گوینده در مقامی نباشد که گفته‌اش اجرا شود، پاره‌گفتارهای بیانی وی نابجا تلقی خواهد شد.

از این رو، جمله‌ای نظیر «من شما را به پنج سال زندان محکوم می‌کنم» بر حسب این که در یک دادگاه و از سوی قاضی آن دادگاه و مطابق قانون گفته شده باشد یا نه، می‌تواند پاره‌گفتار بیانی بجا یا نابجا به حساب آید. به همین سبب، باید شرایطی

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

وجـود داشـته باشد که یک پاره‌گفتار بیانی را از کارایی برخوردار سـازد. ایـن شرایط را می‌توان شرایط کارایی نامید. پاره‌گفتارهای بیانی بجا، از شرایط کارایی برخوردارند و اگر نابجا باشند، دارای شرایط کارایی نیستند(صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

دیدگاه جان سرل

افزون بر آستین فیلسوفان و زبـان‌شناسان دیـگری نیز به بررسی ماهیت کارگفتها و طـبقه‌بندی آنها پرداخته‌اند که در ایـن مـیان آرای جان آر. سرل درباره مقوله‌بندی کـارگفتها از اهـمیت به سزایی برخوردار است. وی تحت تأثیر طرحی که آستین از کارگفتها به دست داده بـود، ایـن‌گونه پاره‌گفتارها را طبقه‌بندی کرد. جان سـرل در کـتاب کـارگفتها نشان می‌دهد کـه تـحقیق درباره زبان بدون بـررسی مـاهیت و نحوه کار ذهن ناتمام است. زبان و افعال جزو واقعیت‌های نهادی و اجتماعی هستند و مطالعه زبـان در پرتـو مطالعه ذهن با این واقعیت کـه زبـان پدیده‌ای اجـتماعی اسـت، مـنافاتی ندارد.

سرل معتقد است که زبان نه تنها پدیده‌ها را توصیف می‌کند، بلکه در اجرای آنها نـیز نـقش دارد. بدین معنا که انسان از زبان بـرای درخـواست انـجام کـار (نـقش امری)، بستن پیـمان (نـقش تعهدی)، بیان تشکر (نقش عاطفی) و غیره بهره می‌گیرد (ر.ک.ضیاء حسینی، ۱۳۹۱: ۴۳).

براین اساس وی کارگفتها را در یک طبقه‌بندی پنـج‌گانه سـامان دهـی می‌کند که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

الف) طـبقه‌بندی کـارگفتها از دیـدگاه سـرل

یـک دسـته از کارگفتها، کارگفتهای اظهاری هستند. در این کارگفتها گوینده عقیده خود را در بارهٔ صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. این کارگفتها تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح‌شده نشان می‌دهند. کـارگفت های اظهاری، محتوای گزاره‌ای را با جهان خارج و محیط مطابقت داده، باورهای گوینده را نشان می‌دهند. نمونه بارز این دسته از کارگفتها را می‌توان در پاره‌گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته‌ای تأکید می‌کنند یا به نـتیجه‌گیری از نـکته‌ای می‌پردازند. دراین‌باره می‌توان مثالهای زیر را در نظر گرفت:

۱- من بر این نکته تأکید دارم که هوشنگ فارغ‌التحصیل نشده.

۲- با توجه به پرونده موجود نتیجه می‌گیریم که هوشنگ فارغ‌التحصیل نشده.

در نمونه‌های بـالا گـوینده با تأکید و نتیجه‌گیری، خود را متعهد می‌سازد که آنچه می‌گوید صدق است(صفوی، ۱۳۸۷: ۶۷).

به عقیده‌ی اصطهباناتی«برخی از افعالی که نشان‌دهنده کنشها یا کارگفت‌های اظهاری، هستند، عـبارت‌اند از: ادعـا کردن، اظهار کردن، اعطا کـردن، شـرح دادن، بحث کردن، اعتراض کردن، گفتن، معرفی کردن، گزارش دادن، نسبت دادن، بیان کردن، واگذار کردن، تأیید کردن، تکذیب کردن، دلیل آوردن، تصحیح کردن، تفسیر کردن، نـفی کـردن، ابراز کردن،آغاز کـردن یـک عمل، اثبات کردن، التماس کردن، اعلان کردن، پاسخ دادن، تغییر فعالیت دادن، توصیف کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، رها کردن، محدود کردن، مطمئن بودن، نقدکردن. همچنین برخی از ابزارهای تسهیل شناخت کـارگفت هـای اظهاری عبارت‌اند از: من اظهار می‌کنم که، من تأیید می‌کنم که، من تصحیح می‌کنم که، من اثبات می‌کنم که، من نفی می‌کنم که، من می‌گویم که» (اصطهباناتی، ۱۳۸۶: ۵۴).

دسته‌ی دیگر کارگفتها، کـارگفت هـای ترغیبی هـستند. هدف از کارگفت های ترغیبی، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی اسـت. به عبارت دیگر، گوینده می‌خواهد که شنونده کاری انجام دهد. گـوینده سـعی مـی‌کند تا کاری کند که رویدادهایی به وقوع بپیوندد و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شـنونده مـی‌باشد، تطبیق دهد. کنشها یا کارگفت های ترغیبی خواستها و تمایلات گوینده را بیان مـی‌کنند. نـمونه بـارز این کارگفتها را می‌توان در پرسشها یا درخواستها مشاهده کرد.

دراین میان آرای سرل از اهمیت بسزایی برخوردار است. وی این گونه پاره گفتارها را به پنج طبقه تقسیم می کند.

۱- کارگفت های اظهاری

اظهار گوینده را نشان می دهند: اظهار کردن- تأیید کردن - نفی کردن- تأکید کردن....

۲- کارگفت های ترغیبی

ترغیب گوینده برای انجام کاری : خواهش می کردن- امر کردن - سؤال کردن - دستور دادن...

۳- کارگفت های تعهدی

تعهد گوینده را نشان می دهند: قول دادن - تضمین کردن - قسم خوردن - متعهد شدن....

۴-کارگفت های عاطفی

احساس گوینده را نشان می دهند: عذر خواستن- تبریک گفتن - قدردانی کردن - تسلیت گفتن - تشکر کردن - ناسزا گفتن....

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

۵- کارگفت های اعلامی

گوینده شرایط تازه ای را برای مخاطب اعلام می کند: اعلام کردن - محکوم کردن - بخشیدن ...

انواع کارگفت در اشعار نیما یوشیج

نیمایوشیج، به دلیل پیشرو بودن در سرایش شعر نو، بسیار مورد توجه صاحب نظران ادبیات بوده و آثار او از جهات بسیاری نقد و بررسی شده است. در آثار فراوانی که درمورد اشعار نیما نوشته شده، مسأله‌ی کارگفت در اشعار وی کار نشده است.در این مقاله به انواع کارگفت در اشعار نیما به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

کارگفت اظهاری

و حواس من!
آی نی‌زن که ترا آوای نی برده‌ست دور از ره کجایی! (یوشیج، ۱۳۸۶: ۲۳)

گفتم : ای غافل بباید جست او
هر که باشد دوستار توست او (همان: ۱۲۴)

کارگفت ترغیبی

کنش بیانی ترغیبی درصدد است تا گوینده را به انجام کاری ترغیب و وادار کند.

در بیت زیر شاعر از خود درباره‌ی معشوق سوال می‌کند:

من نمی دانستم این همراه کیست
قصدش از همراهی در کار چیست ؟ (یوشیج،۱۳۸۶: ۱۲۵)

در بیت زیر از زبان عشق تقاضا کردن و دستور دادن از خود را به تصویر می‌کشد:

عشق با من گفت : از جا خیز، هان
خلق را از درد بدبختی رهان (همان: ۱۲۵)

شاعر در ابیات زیر، به حالت امری از عشق می‌خواهد او را رها کرده و از او دور شود:

آخر از من ، جان چه می خواهی ؟ برو
دور شو از جانب من ! دور شو
عشق را در خانه ات پرورده ای
خود نمی دانی چه با خود کرده ای (همان: ۱۳۰)

نیما در شعر «آی آدمها» از مخاطب تقاضا می‌کند که بی تفاوت نسبت به انسان‌های اطراف خود نباشند و آسوده در کنار انسان-هایی که مشغول دست و پنجه نرم کردن با درد و مشکلات زندگی هستند رد نشوند:

آی آدمها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید!
یک نفردر آب دارد می سپارد جان.
یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند
روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید. (یوشیج، ۱۳۷۶: ۱۷۳)

کارگفت اعلامی

در کارگفت اعلامی، گوینده با این کنش بیانی، شرایط تازه‌ای را برای مخاطب اعلام می‌کند.

در ابیات زیر شاعر حالت درد و محنت خود را به مخاطب خویش اعلام می‌کند و می‌گوید:

گفتم : ای یار من شوریده سر
سوختم در محنت و درد و خطر
در میان آتشم آورده ای
این چه کار است، اینکه با من کرده ای ؟ (یوشیج، ۱۳۷۶: ۱۳۱)

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

شاعر در بیت زیر حالت دور شدن دوستان از وی را به خوبی به تصویر کشیده است:

دور گشتند از من آن یاران همه
چه شدند ایشان ، چه شد آن همهمه ؟
چه شد آن یاری که از یاران من
خویش را خواندی ز جانبازان من ؟ (همان: ۱۳۴)

شاعر در ابیات زیر، عشق را محکوم کرده و زندگی کردن با عشق را نهایت درد و رنج می‌داند:

لیک، ای عشق، این همه از کار توست
سوزش من از ره و رفتار توست
زندگی با تو سراسر ذلت است
غم،همیشه غم، همیشه محنت است. (همان: ۱۴۱)

در ابیات زیر شاعر، پایان کار خویش و تموم شدن زندگی خود را اعلام می‌کند:

فریاد می زنم،
من چهره ام گرفته!
من قایقم نشسته به خشکی!
مقصود من ز حرفم معلوم بر شماست،
یک دست بی صداست،
من، دست من کمک ز دست شما می کند طلب،
فریاد من شکسته اگر در گلو، وگر
فریاد من رسا،
من از برای راه خلاص خود و شما،
فریاد می زنم
، فریاد می زنم!! (یوشیج،۱۳۷۶: ۱۷۶)

شاعر عشق را محکوم کرده و او را موجب بدبختی و رنج خود می‌داند:

هر زمان رنگی بجوید ماجرا
بهر خود خصی بپروردی چرا ؟
ذلت تو یکسره از کار اوست
باز از خامی چرا خوانیش دوست ؟ (همان: ۱۳۴)

کارگفت عاطفی

کنش بیانی عاطفی بیان کننده‌ی احساس گوینده است.

در ابیات زیر شاعر، یاران جهان و دوستی‌های دیگر را تحسین کرده است:

دیدمش، گفتم : منم نشناخت او
بی تأمل روز من برتافت او
دوستی این بود ز ابنای زمان
مرحبا بر خوی یاران جهان
مرحبا بر پایداری های خلق
دوستی خلق و یاری های خلق
بس که دیدم جور از یاران خود
وز سراسر مردم دوران خود
من شدم : رنگ پریده ، خون سرد
پس نشاید دوستی با خلق کرد

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

وای بر حال من بدبخت!وای
کس به درد من مبادا مبتلای (نیما،۱۳۷۶: ۱۴۵)

در ابیات زیر شاعر، با حالت غم و اندوه از حالت فراق خویش را از معشوق به تصویر کشیده است:

او مرا نفرت بداد از شهریان
وای بر من ! کو دیار و خانمان ؟
خانه ی من ،جنگل من ، کو، کجاست ؟
حالیا فرسنگ ها از من جداست. (همان: ۱۴۵)

در ابیات زیر شاعر، درد و رنج خویش را نامحدود می‌داند و می‌گوید درد و رنج و غم و اندوه من هرگز پایان نمی‌پذیرد.

نیست درد من ز نوع درد عام
این چنین دردی کجا گردد تمام ؟
جان من فرسود از این اوهام فرد
دیدی آخر عشق با جانم چه کرد ؟ (همان: ۱۴۸)

شاعر تنهایی و غم و اندوه خویش را در کنار کوهساران به مخاطب می‌رساند:

ای بسا شب ها کنار کوهسار
من به تنهایی شدم نالان و زار (همان: ۱۵۱)

نتیجه گیری

تحلیل داده‌ها از دیدگاه آستین حاکی از آن است که در خطبه‌های مورد بررسی دلالت واقعی گفتار لزوماً مطابق دلالت لفظی و ظاهری آن نیست.

تحلیل جمله‌های مورد استفاده در خطبه‌ها بر اساس الگوی سرل نشان داد که از میان انواع پنج‌گانه کارگفت‌ها، چهار نوع کارگفت اظهاری، ترغیبی و عاطفی و اعلامی به کار رفته است.

در تحلیل اشعار نیما مشخص شد که بیشترین کارگفت، از نوع کارگفت عاطفی بوده و اشعار وی از نوع عاطفی می‌باشند.شاعر در جای جای شعر خویش یا با «تحسین کردن»و «غم و اندوه»حالت خویش را به مخاطب نشان می‌دهد.

منابع و مراجع

۱- اصطهباناتی، لیدا، تحلیل کنشهای گفتاری پاره‌ای از متون سیاسی معاصر، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد زبانشناسی، دانشکدهٔ زبانهای خارجی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶ش.
۲- زارعی، سیما، بررسی مقابله‌ای کنش گفتار تشکر کردن در زبان فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۰ش.
۳- سلیمی نوه، اصغر، «گفتمان در اندیشهٔ فوکو»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۹، ۱۳۸۳ش.
۴- صفوی، کوروش، درآمدی بر معنی شناسی، تهران، سورهٔ مهر، ۱۳۸۷ش.
۵- ضیاء حسینی، محمد، سخن کاوی، تهران، انتشارات رهنما، ۱۳۹۱ش.
۶- لطفی پور، کاظم، «درآمدی به سخن کاوی»، زبانشناسی، سال نهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۷۲ش.
۷- یوشیج، نیما، مجموعهٔ کامل اشعار، گردآوری و تدوینِ سیروس طاهباز، تهران. انتشارات:نگاه.۱۳۸۶ش.